

تحلیل نقش گردشگری بر کیفیت زندگی شهروندان با تأکید بر شاخص‌های ذهنی مورد: شهر فشم (شهرستان شمیرانات)

مرتضی محمدپورجابری* - دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری دانشگاه سیستان و بلوچستان

دریافت مقاله: ۱۳۹۳/۹/۱۸ پذیرش مقاله: ۱۳۹۳/۱۱/۳

چکیده

توسعه گردشگری شهری اثرها و پیامدهای اجتماعی، اقتصادی، کالبدی، و زیست‌محیطی متفاوتی دارد که از جمله می‌توان به نقش این فعالیت بر کیفیت زندگی شهروندان اشاره کرد. کیفیت زندگی، که امروزه از مؤلفه‌های مهم مورد توجه متخصصان حوزه برنامه‌ریزی شهری است، مفهومی چندبعدی است و جنبه‌های مختلفی دارد. امروزه، فقط برآورده شدن نیازهای جسمانی و برخورداری از امکانات رفاهی زندگی کفایت نمی‌کند و توجه به ابعاد ذهنی کیفیت زندگی شهروندان مورد توجه بیشتری واقع شده است. بر همین اساس، در این پژوهش، به بررسی و تحلیل توسعه گردشگری و نقش آن در ابعاد کیفیت زندگی شهروندان شهر فشم با تأکید بر شاخص‌های ذهنی پرداخته شده است. روش‌شناسی این تحقیق توصیفی و تحلیلی و داده‌های مورد نیاز با استفاده از روش اسنادی و میدانی (پرسشنامه) گردآوری شده است. جامعه آماری این پژوهش شهروندان محلی شهر مطالعه شده است که با استفاده از روش کوکران تعداد ۲۸۶ سرپرست خانوار به‌عنوان نمونه آماری انتخاب شده‌اند. همچنین با بهره‌گیری از آزمون‌های آماری داده‌های جمع‌آوری شده تجزیه و تحلیل شدند. نتایج پژوهش بیانگر آن است که توسعه گردشگری در شهر فشم توانسته نقش مؤثری بر بهبود کیفیت شهروندان ایفا کند که این بهبود وضعیت در میان قلمروهای مختلف کیفیت زندگی یکسان نبوده و تفاوت معناداری بین آن‌ها وجود دارد. همچنین، نتایج نشان داد که در ارزیابی اهمیت و جایگاه نقش گردشگری در شهر فشم، از میان قلمروهای مطالعه‌شده، تفریح و اوقات فراغت بیشترین تأثیر را بر دیدگاه شهروندان داشته است.

کلیدواژگان: توسعه گردشگری، شاخص‌های ذهنی، شمیرانات، شهروندان، فشم، کیفیت زندگی.

مقدمه

گردشگری در هر فضای جغرافیایی در روندی از تطبیق‌پذیری جاذبه‌ها، سکونت‌گاه‌ها، و تسهیلات مورد نیاز انجام می‌گیرد. وجود جاذبه‌های متعدد و متنوع آثار تاریخی- فرهنگی و جاذبه‌های ویژه در نقاط شهری همگام با رشد و توسعه گردشگری در چند دهه اخیر به هجوم گردشگران به شهرها منجر شده است (Timothy 1995: 62). توسعه گردشگری انواع مختلفی از اثرات را به همراه دارد که به‌طور کلی می‌توان آن‌ها را به اثرات و پیامدهای اقتصادی، محیطی، اجتماعی - فرهنگی تقسیم کرد که البته بسته به بافت و شرایط جامعه می‌تواند مثبت یا منفی باشد (Cascaent 2008: 17). در همین زمینه، از جمله اثرهایی که توسعه گردشگری شهری به دنبال دارد، اثرهایی است که بر کیفیت زندگی شهروندان بر جای می‌گذارد. کیم (۲۰۰۲) اعتقاد دارد بین اثرات گردشگری و رضایت از قلمروهای مختلف زندگی رابطه وجود دارد و با افزایش سطح توسعه گردشگری کیفیت زندگی ساکنان محلی افزایش می‌یابد (kim 2002).

داشتن کیفیت زندگی مطلوب همواره آرزوی بشر بوده و است و با توسعه و پیشرفت شهرها رفته‌رفته بیشتر می‌شود (اصغری زمانی و دیگران ۱۳۹۱: ۷۱). در ابتدا، این آرزو به بهبود وضعیت ظاهری افراد از قبیل میزان درآمد، تحصیلات، سلامتی جسمی و مسکن محدود بود، ولی اکنون به طیف‌های وسیعی از جمله متغیرهای کیفی و ذهنی توجه می‌شود (مختاری و نظری ۱۳۸۹: ۹). نگرانی از کیفیت زندگی یکی از مشخصه‌های جامعه معاصر است، زیرا در بحث‌های مربوط به کیفیت زندگی، فقط زیستن مهم نیست، بلکه کیفیت آن نیز اهمیت دارد (اصغری زمانی و دیگران ۱۳۹۱: ۷۰). مفهوم کیفیت زندگی عمدتاً به‌منزله رضایت از زندگی، خوشبختی و سعادت، رفاه و آسایش شناخته می‌شود و سطح تحقق نیازهای انسان را منعکس می‌کند (Zielinska et al 2010: 1). مفهوم کیفیت زندگی همانند خود توسعه تا اندازه‌ای مبهم است. از یک‌سو کیفیت زندگی فردی به‌منزله پنداشتی از چگونگی گذران فرد مطرح می‌شود و از بعدی کلی‌تر، کیفیت زندگی موقعیت‌های زندگی در مکان‌های مختلف حول یک عامل را شامل می‌شود (Pal & Kumar 2005: 217). تا به امروز مطالعات متعددی پیرامون کیفیت زندگی شهری انجام شده (McCrea 2004; Santos and 2007; Li and Weng 2007; Dos 2008; Moro et al 2008) و کیفیت زندگی یکی از اهداف درخور توجه و مهم در سیاست‌های بخش عمومی است (Santos & Martins 2007: 411).

کیفیت زندگی شهری در برنامه‌ریزی شهری حداقل می‌تواند در دو مرحله از فرایند برنامه‌ریزی مورد استفاده قرار گیرد. مرحله اول جایی است که برنامه‌ریزان می‌خواهند چشم‌انداز صحیح و قابل اطمینانی از وضعیت موجود شهر داشته باشند. در واقع، در این مرحله برنامه‌ریزان در پی آن‌اند تا اولویت‌ها و مسائلی را که از اهمیت بیشتری برخوردارند، به‌طور ویژه مورد توجه قرار دهند که بررسی ابعاد مختلف کیفیت زندگی شهری می‌تواند راهنمای مناسبی برای آن‌ها در این مرحله باشد. مرحله دوم جایی است که برنامه‌ها و پروژه‌ها باید ارزیابی شود تا سودمندی و کارایی آن‌ها تأیید شود (لطفی ۱۳۸۸: ۶۸). نتایج مطالعات کیفیت زندگی می‌تواند به ارزیابی سیاست‌ها، رتبه‌بندی مکان‌ها، تدوین استراتژی‌های مدیریت، و برنامه‌ریزی شهری کمک کند و درک اولویت‌بندی مسائل اجتماع برای برنامه‌ریزان و مدیران شهری به منظور ارتقای کیفیت زندگی شهروندان را تسهیل سازد. یافته‌های کیفیت زندگی می‌تواند برای بازشناسی استراتژی‌های سیاسی قبلی و طراحی سیاست‌های برنامه‌ریزی آینده استفاده شود (Lee 2008: 1207) به نقل از رضوانی و دیگران (۱۳۸۹).

بهبود کیفیت زندگی شهری متأثر از عوامل و فعالیت‌های مختلفی است که در شهرها وجود دارد. در همین زمینه، توسعه گردشگری به‌عنوان منبعی از ویژگی‌های در حال تغییر اقتصادی، اجتماعی، و محیطی به شمار می‌آید که پتانسیل آن را دارد تا در بهبود کیفیت زندگی مؤثر واقع شود. نقش گردشگری در ایجاد کیفیت زندگی مطلوب، از طریق استانداردهای بالای سطح زندگی (Liu & War 1986: 213)، درآمدهای مالیاتی روزافزون، فرصت‌های شغلی بیشتر

(Milman & Pizam 1988: 191)، تنوع اقتصادی، افزایش سطح امکانات فراغتی، توسعه زیرساخت‌ها و خدمات عمومی در جامعه (Choi 2003: 58)، تبادل فرهنگی و افزایش سطح آگاهی‌های مردم و گردشگران (قدمی و دیگران ۱۳۸۹) شکل می‌گیرد. با این تفاسیر، ملاحظه می‌شود توسعه گردشگری با اثرات و پیامدهای مطلوب و نامطلوبی که به همراه دارد می‌تواند در ارتقا و تنزل کیفیت زندگی شهروندان نقش ایفا کند. بنابراین، ضروری است با بررسی و شناخت نقش توسعه گردشگری شهری بر بهبود سطح کیفیت زندگی شهروندان گامی مؤثر در توسعه پایدار سکونتگاه‌های شهری گردشگرپذیر برداشت. بر همین اساس، پژوهش حاضر در راستای پاسخگویی به چهار سؤال تدوین یافته است: الف) گردشگری توانسته نقش مؤثری بر بهبود شاخص‌های ذهنی کیفیت زندگی ایفا کند؟ ب) آیا تفاوت معناداری بین بهبود قلمروهای کیفیت زندگی وجود دارد؟ ج) متغیرهای مؤثر بر دیدگاه شهروندان در درک نقش گردشگری در بهبود کیفیت زندگی کدام است؟ د) کدام یک از قلمروهای کیفیت زندگی بیشترین تأثیر را بر نحوه ارزیابی شهروندان از اهمیت و جایگاه گردشگری در اقتصاد و معیشت شهر مطالعه شده دارد؟

مبانی نظری

گردشگری شهری

مفهوم گردشگری شهری از دهه ۱۹۸۰، وقتی که روشن شد شهرهای بسیاری به سمت مقاصد مهم در حال پیشرفت‌اند، وارد ادبیات گردشگری شد (دیناری ۱۳۸۴: ۳). گردشگری یکی از ویژگی‌های جوامع شهری به‌شمار می‌آید که در کنار ویژگی‌هایی مانند ازدحام، تراکم، آلودگی، و فعالیت‌های سخت، انسان را قادر به تحمل محیط‌های شهری می‌کند (Low 1996: 42). سیمای شهرها در عصر جدید به سرعت در حال تحول است، ساختمان‌های دیدنی، تفریحات مدرن، بازسازی مجموعه‌های کهن و بافت قدیمی شهرها، به راه انداختن جشنواره‌ها و رویدادهای متعدد و گسترده در محیط‌های شهری، و سرانجام بهبود شرایط اقامت و تنوع امکانات قابل بهره‌برداری با سلايق و طیف‌های درآمدی مختلف سبب شده است که شهر و به‌خصوص شهرهای بزرگ و مرکزی خود به‌منزله یک جاذبه گردشگری برای مردمان بیش از پیش مطرح شوند (رنجبران و زاهدی ۱۳۸۸: ۷۳).

فضاهای شهری در شهرهای معاصر را، که برای گردشگران به‌منزله یک جاذبه محسوب می‌شوند، می‌توان به دو دسته تقسیم کرد: الف) فضاهای مدرن یا جدید نظیر پارک‌ها، مراکز فروش مدرن، فرهنگسراها، میادین و پلاژها و ب) فضاهای سنتی نظیر بازارها، امامزاده‌ها، گورستان‌ها، باغ‌ها، مساجد، و سایر اماکن تاریخی (انوری و مینا ۱۳۸۶: ۱). گردشگری شهری عملکرد متقابل گردشگر - میزبان و تولید فضای گردشگری در رابطه با سفر به مناطق شهری با انگیزه‌های متفاوت و بازدید از جاذبه‌ها و استفاده از تسهیلات و خدمات مربوط به گردشگری است که آثار متفاوتی را بر فضا و اقتصاد شهری بر جای می‌نهد (پاپلی یزدی و سقایی ۱۳۸۵: ۱۹۰). در دهه ۱۹۷۰، اثر گردشگری بر موضوعات و مسائل اجتماعی و فرهنگی گسترش یافت و در ادامه با شکل‌گیری و بروز برخی مشکلات، از جمله اثرات محیطی، گردشگری به‌منزله نگرانی و دغدغه اصلی محققان گردشگری در دهه ۱۹۸۰ درآمد و بدین‌ترتیب حرکت از تحلیل آثار رشد اقتصادی به آثار اجتماعی و اکولوژیکی تغییر یافت. این تغییر رهیافت در دهه ۱۹۹۰ با تحلیل اثرات قبلی گردشگری ادغام شد و نوع گردشگری نیز مدنظر قرار گرفت؛ به‌طوری‌که حرکت از گردشگری انبوه به گردشگری پایدار در اشکال اکوتوریسم، گردشگری میراث، و گردشگری جامعه‌محور تغییر داده شد. به‌طور کلی گردشگری فعالیتی است که آثار اقتصادی، تبعات زیست‌محیطی و اجتماعی فراوانی را به‌دنبال دارد (Kim 2002: 25). از جمله این اثرها نقشی است که بر بهبود کیفیت زندگی شهروندان دارد. رشد و توسعه فعالیت‌های گردشگری می‌تواند باعث بروز تغییرات

عمیق در بسیاری از شاخص‌های عینی و ذهنی، ویژگی‌های کلان اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، و محیطی جوامع مقصد شود.

کیفیت زندگی

کیفیت زندگی مفهومی است که وضعیت زندگی بشری را تعریف می‌کند. با توجه به اینکه این وضعیت با چند عامل و ویژگی قابل انعکاس است، معمولاً کیفیت زندگی مترادف با رفاه، امکانات، رضایت زندگی، شکوفایی، تحقق نیازها، قدرت زندگی، توسعه قابلیت‌ها، فقر، فقر انسانی، استانداردهای زندگی و توسعه به کار می‌رود (رضوانی و دیگران ۱۳۹۱: ۳۱). این مفهوم ویژگی‌های کلی اجتماعی-اقتصادی محیط در یک ناحیه را نشان می‌دهد که می‌تواند به‌منزله ابزاری قدرتمند برای نظارت بر برنامه‌ریزی توسعه اجتماع به کار رود. همچنین، به‌منزله معیاری برای سنجش میزان برآورده‌شدن نیازهای روحی، روانی، و مادی جامعه و خانواده تعریف شده است (اکبریان و دیگران ۱۳۹۲: ۸۸۷).

با توجه به تعاریف متعدد درباره کیفیت زندگی شهری و همچنین اذعان به نبود اجماع نظر درباره تعریف آن، می‌توان گفت که کیفیت شهری واژه‌ای بسیار تفسیرپذیر و ابهام‌آور است و بنابر حوزه کاربرد و نوع مطالعه فرق می‌کند. اگرچه تعریف کیفیت زندگی شهری در کشورهای مختلف و حتی در نواحی یک کشور نیز متفاوت است، جوهر مشترک آن معطوف به تأمین نیازهای اساسی مادی و معنوی در دو وجه ذهنی و عینی به‌طور توأمان است (کوکبی ۱۳۸۶: ۷۶). در یک تعریف عام، کیفیت زندگی با عنوان زندگی راحت و دسترسی به نیازهای اساسی در یک محیط شهری تلقی می‌شود. کیفیت زندگی در واقع به معنای قابلیت زندگی یک مکان مطرح می‌شود. به عبارتی، در یک جامعه شهری، کیفیت زندگی برگرفته از تجربه مشترک ساکنان شهر از محیط شهر (مثلاً کیفیت هوا، آب، ترافیک، فرصت‌های تفریحی، شغلی، و...) و سطح توانایی شهر در پاسخگویی به اهداف مورد نظر ساکنان شهر است (رهنمایی و دیگران ۱۳۹۱: ۵۰). ورود مفهوم کیفیت زندگی به حوزه‌های برنامه‌ریزی، مدیریت، طراحی، جامعه‌شناسی، و اقتصاد شهری باعث ساخت و تعریف مفهوم کیفیت زندگی شهری شده است. مطالعات کیفیت زندگی شهری می‌تواند زمینه‌ساز شناسایی نواحی مسئله‌دار، اولویت‌های بااهمیت‌تر زندگی شهروندان، شناسایی متغیرهای مداخله‌گر و میانجی، و علل نارضایتی مردم از خدمات مدیریت شهری باشد و ابزار مناسبی برای سیاستمداران و محققان شهری به‌حساب آید (شفیعا و دیگران ۱۳۹۲: ۲۲).

به‌رغم تکثرگرایی مفهومی و عملیاتی، کیفیت زندگی عموماً یک مفهوم چندبعدی است (Mc Gillivray 2007: 41) که با توسعه اقتصادی-اجتماعی و بهبود و بهسازی سطوح زندگی اهمیت می‌یابد و ویژگی‌های کلی اجتماعی، اقتصادی محیط در یک ناحیه را نشان می‌دهد. بنابراین، می‌تواند به‌منزله ابزاری قدرتمند برای نظارت بر برنامه‌ریزی توسعه اجتماع به کار رود. وینگوتو (۲۰۰۳) مدلی با عنوان تئوری تلفیقی کیفیت زندگی طراحی کرده که در آن ماهیت زندگی می‌تواند شامل طیفی از ذهنیات تا عینیات باشد. این طیف دربرگیرنده احساس رفاه، رضایت از زندگی، تعادل بیولوژیکی، درک توانایی‌های خود، تحقق نیازها، و عوامل عینی از قبیل درآمد، وضعیت ازدواج، یا تحصیلات است. به‌طور کلی این مدل بیان می‌کند که کیفیت زندگی شامل سه بعد اساسی ذهنی، عینی، و بعد وجودی- یا هستی‌گرایانه- است که هر یک در تعامل با دیگری است (پورطاهری و دیگران ۱۳۹۰: ۱۷).

کیفیت زندگی و گردشگری

سطح کیفیت زندگی جامعه محلی با مراحل مختلف مدل چرخه حیات گردشگری در ارتباط است. در نظریه‌های متعدد چرخه حیات گردشگری، که عموماً بر ظرفیت تحمل اجتماعی استوارند، اعتقاد بر این است در طول مراحل اولیه توسعه، تغییرات مثبتی در سطح کیفیت زندگی ساکنان مقصد ایجاد می‌شود، ولی در ادامه، زمانی که ظرفیت تحمل یا سطح

تغییرات قابل قبول جامعه به آستانه خود برسد، تغییرات منفی ناشی از توسعه گردشگری در جامعه نمایان خواهد شد و به تدریج کیفیت زندگی ساکنان مقصد تنزل خواهد کرد. کروت و هولاند در مطالعات خود به این نتیجه رسیده‌اند که توسعه گردشگری اثرهای مثبتی بر شاخص‌های عینی کیفیت زندگی ساکنان محلی نظیر سلامتی، تفریح، خدمات، و میزان فروش و کاهش سطح فقر داشته است. همچنین، پردیو لانگ و گاستک در مطالعه کیفیت زندگی مقصد شاخص‌هایی عینی نظیر جمعیت، سطح درآمد، آموزش، سلامت، رفاه، و میزان جرم و جنایت را اندازه گرفتند. یافته‌های آن‌ها نشان می‌دهد توسعه گردشگری باعث افزایش میزان مهاجرت جمعیت، تنوع شغلی، هزینه آموزش، بهبود سطح کلی آموزش، و میزان تسهیلات مربوط به سلامت در مقصد شده است (قدمی و دیگران ۱۳۸۹).

یکی از راه‌های عملیاتی کردن مفهوم کیفیت زندگی، طراحی و تدوین شاخص‌های کیفیت زندگی است. مفهوم کیفیت زندگی دربرگیرنده شاخص‌های عینی و ذهنی است. شاخص‌های عینی براساس فراوانی یا کمیت فیزیکی، مثل درآمد، اندازه‌گیری می‌شوند و شاخص‌های ذهنی براساس پاسخ‌های روانی همچون رضایت شغلی و خوشحالی به صورت کیفی اندازه‌گیری می‌شوند. شاخص‌های ذهنی بینشی از رضایت فرد و هر آنچه برای مردم رضایت‌بخش است به دست می‌دهد (خوارزمی ۱۳۸۳: ۵). این اعتقاد وجود دارد که شاخص‌های ذهنی به مراتب از شاخص‌های عینی، در راستای برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری مناسب‌تر است، زیرا بازخوردهای قابل پذیرشی را فراهم می‌کند (پوراحمد و دیگران ۱۳۹۱: ۲۳). در این پژوهش، برای تحلیل نقش توسعه گردشگری بر کیفیت زندگی شهروندان از شاخص‌های ذهنی استفاده شده است.

روش‌شناسی و شناخت اجمالی شهر مطالعه‌شده

پژوهش حاضر از لحاظ هدف کاربردی و روش آن توصیفی تحلیلی است. گردآوری داده‌های مورد نیاز با استفاده از روش اسنادی و میدانی تهیه شده که روش میدانی مبتنی بر ابزار پرسشنامه است. جامعه آماری این پژوهش خانوارهای محلی شهری‌اند. برای تکمیل پرسشنامه با استفاده از روش کوکران ۲۸۶ سرپرست خانوار به منزله نمونه آماری انتخاب و پرسشنامه با استفاده از روش تصادفی طبقه‌بندی توسط آن‌ها تکمیل شد. در این تحقیق، شاخص‌ها و نماگرها (جدول ۱) با روش دلفی و با بهره‌مندی از دیدگاه متخصصان و استادان دانشگاه تبیین شده‌اند. همچنین، سنجش پایایی پرسشنامه با بهره‌مندی از روش آلفای کرونباخ انجام شد که در جدول ۱ آورده شده است. همچنین، به منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش‌های آماری (آمار توصیفی و استنباطی) شامل T تک‌نمونه‌ای، T مستقل، تحلیل واریانس اندازه‌گیری مکرر و نیز آزمون تحلیل واریانس یک‌طرفه استفاده شده است.

شهر فشم، که در زبان عامیانه به اوشان فشم مشهور است، یکی از شهرهای استان تهران واقع در شهرستان شمیرانات است که در فاصله ۲۵ کیلومتری شمال شرقی شهر تهران در موقعیت جغرافیایی ۳۵ درجه و ۵۵ دقیقه عرض جغرافیایی و ۵۱ درجه و ۳۱ دقیقه طول جغرافیایی قرار دارد. این شهر به سبب برخورداری از آب و هوای مناسب، وجود رودخانه و باغ‌ها و از همه مهم‌تر به سبب قرارگیری در مسیر بسیاری از جاذبه‌های گردشگری در منطقه شمیرانات همواره گردشگران بی‌شماری را در فصول مختلف سال به سوی خود جذب می‌کند. براساس آخرین سرشماری کشور در سال ۱۳۹۰، این شهر ۲۵۰۹ خانوار و ۷۹۹۴ نفر جمعیت دارد.

جدول ۱. قلمرو و نماگرهای ارزیابی نقش گردشگری در بهبود کیفیت زندگی شهروندان^۱

الفای کرونیخ	نماگر	قلمرو
۰/۷۵	بهبود کیفیت محیط شهر، جمع‌آوری و دفن مواد زائد، تسریع پروژه‌های عمرانی، آلودگی صوتی، آلودگی هوا، کیفیت پیاده‌روها، ترافیک در شهر، نظارت بر ساخت‌وساز، استفاده از مصالح بادوام در ساخت‌وساز	کیفیت محیط و مسکن
۰/۷۷	دسترسی مناسب به خدمات بهداشتی درمانی، بهبود کیفیت محصولات غذایی فروشندگان، افزایش امکانات رفاهی در روستا، امید به آینده، رضایت از زندگی	سلامت و بهزیستی فردی
۰/۷۳۸	همبستگی شهروندان، پیوند و انسجام در شهر، تقویت نهادهای محلی، مشارکت در تهیه طرح‌های عمرانی شهر	همبستگی و مشارکت
۰/۷۶۸	ایجاد فرصت‌های شغلی، تنوع اشتغال، امنیت شغلی، افزایش و امنیت درآمد، هزینه زندگی، قدرت خرید، پس‌انداز مناسب، توانایی تهیه مسکن، توزیع برابر ثروت و درآمد، توان مسافرت رفتن	اشتغال و درآمد
۰/۷۰	دسترسی به خدمات آموزشی، افزایش سطح سواد و تحصیلات، بهبود کیفیت مدارس، بهبود خدمات کمی مورد نیاز در مدارس، افزایش سطح فرهنگ عمومی، آگاهی مردم	آموزش و فرهنگ
۰/۷۱	بهبود راه‌های ارتباطی، دسترسی به وسایل نقلیه عمومی، دسترسی به خدمات مالی و اعتباری (بانک و...)، دسترسی مناسب به مراکز خرید و فروش، دسترسی به امکانات و خدمات ارتباطی (پست مخابرات، اینترنت، و...)، دسترسی به کالانتری در مواقع اضطراری، کیفیت خدمات امکانات	کیفیت زیرساخت‌ها
۰/۷۲۲	افزایش امکانات و خدمات تفریحی، افزایش امکانات و خدمات ورزشی، افزایش امکانات و خدمات فرهنگی هنری. وضعیت کمی و کیفی کتابخانه، دسترسی به روزنامه، بهبود جاذبه‌های گردشگری و مراکز گذران اوقات فراغت، توسعه پارک و فضای سبز	تفریح و اوقات فراغت

یافته‌ها

- از مجموع جامعه نمونه آماری ۸۹/۹ درصد مردند که از لحاظ وضعیت تحصیلات بیشترین آن‌ها (۳۹/۲ درصد) تحصیلات متوسطه داشته‌اند. همچنین، از لحاظ وضعیت شغلی ۴۵/۸ درصد نمونه آماری در بخش خدمات فعالیت داشته و نیز بررسی وضعیت شغلی پاسخگویان نشان می‌دهد ۳۶/۷ درصد آن‌ها وابستگی شغلی به بخش گردشگری دارند.

- به منظور بررسی جایگاه گردشگری در شهر مطالعه‌شده از سه نماگر وابستگی اقتصادی خانوارهای محلی به گردشگری، وابستگی اقتصاد شهر به فعالیت‌های گردشگری، و نیز نماگر درک ساکنان به اهمیت گردشگری استفاده شده است. نتایج براساس روش T تک‌نمونه‌ای نشان می‌دهد میانگین مشاهده‌شده (۱۱/۴۱) بالاتر از میانگین مورد انتظار (۱۰) است بنابراین، می‌توان اذعان داشت که در سطح ۹۹ درصد اطمینان رشد فعالیت‌های گردشگری و اهمیت آن در اقتصاد و معیشت شهر مطالعه‌شده از نظر جامعه نمونه آماری مورد تأیید است (جدول ۲). همچنین، نتایج آزمون T مستقل بیانگر آن است که تفاوت معناداری بین دیدگاه پاسخگویانی که وابستگی شغلی به گردشگری دارند ($P \text{ Value} > 0.05$) با سایر افراد وجود ندارد که این نشان از توافق جمعی در تأیید نقش و اهمیت کلیدی گردشگری در محدوده مطالعاتی است.

جدول ۲. اهمیت گردشگری در اقتصاد و معیشت شهر اوشان فشم

میانگین	تعداد	حد متوسط	مقدار تی	ارزش پی
۱۱/۴۱	۲۸۶	۱۰	۸/۴۷۲	۰/۰۰۱

- تحلیل نقش گردشگری در بهبود کیفیت زندگی شهروندان در هفت قلمرو عمده با استفاده از آزمون T تک‌نمونه‌ای انجام شده که نتایج حاصل همان‌طور که در جدول ۳ آورده شده است، نشان می‌دهد که در همه قلمروهای مطالعه شده میانگین مشاهده شده بالاتر از میانگین مورد انتظار است. بنابراین، توسعه گردشگری در هر هفت قلمرو کیفیت زندگی مطالعه شده در این تحقیق بهبود را به همراه داشته است. در همین زمینه، با توجه به مقدار T، که انحراف از حد متوسط را نشان می‌دهد، ملاحظه می‌شود که بیشترین نقش مربوط به قلمروهای تفریح اوقات فراغت (مقدار T برابر ۱۷/۲۲) و کیفیت زیرساخت‌ها (مقدار T برابر ۱۵/۹۲) است. در مجموع، با توجه به مقدار ($P < 0.05$) محاسبه شده و مقدار آماره T و نیز حد متوسط (که بالاتر از میانگین مورد انتظار است) ملاحظه می‌شود که توسعه گردشگری در شهر مطالعه شده با اطمینان برابر ۹۹ درصد، توانسته نقش مؤثری بر بهبود کیفیت زندگی شهروندان ایفا کند.

جدول ۳. تحلیل نقش گردشگری بر بهبود قلمروهای کیفیت زندگی در شهر فشم براساس آزمون T تک‌نمونه‌ای

قلمرو	میانگین	تعداد	حد متوسط	اختلاف میانگین	مقدار T	ارزش پی
کیفیت محیط و مسکن	۳۰/۹۵	۲۸۵	۲۷	۳/۹۵	۱۰/۷۵	۰/۰۰۱
سلامت و بهزیستی فردی	۱۷/۹۱	۲۸۵	۱۵	۲/۹۱	۱۱/۲۳	۰/۰۰۱
همبستگی و مشارکت	۱۵/۶۱	۲۸۵	۱۲/۵	۳/۱۱	۱۴/۱۹	۰/۰۰۱
اشتغال و درآمد	۳۳/۹۸	۲۸۵	۳۰	۳/۹۸	۸/۹۲	۰/۰۰۱
آموزش و فرهنگ	۲۰/۷۱	۲۸۵	۱۸	۲/۷۱	۱۰/۰۸	۰/۰۰۱
کیفیت زیرساخت‌ها	۲۶/۳۷	۲۸۵	۲۱	۵/۳۷	۱۵/۹۲	۰/۰۰۱
تفریح و اوقات فراغت	۲۶/۲۱	۲۸۵	۲۱	۵/۲۱	۱۷/۲۲	۰/۰۰۱
کل	۱۷۱/۷۲	۲۸۵	۱۴۴	۲۷/۷۲	۱۷/۱۱	۰/۰۰۱

- تفاوت معناداری بین هفت قلمروی مطالعه شده با آزمون آماری تحلیل واریانس اندازه‌های مکرر بررسی شد. نتایج حاصل از این آزمون آماری نشان می‌دهد مقادیر P value در هر دو آزمون اثر پیلائی و لاندای ویلکز کمتر از ۰/۰۵ است. همچنین، با توجه به نتایج آزمون‌های اثرات درون و بین آزمودنی‌ها، با توجه به سطح معناداری در هر دو آزمون، که کمتر از ۰/۰۵ محاسبه شده است، می‌توان گفت تفاوت معناداری بین نمرات کسب شده برای هریک از قلمروها وجود دارد (جدول ۴).

جدول ۴. نتایج آزمون تحلیل واریانس در تبیین تفاوت قلمروهای کیفیت زندگی

Partial Eta Squared	Sig	درجه آزادی فرضیه	F	ارزش	آزمون اثر
۰/۹۶۲	۰/۰۰۰	۶/۰۰۰	۱۱۸۹/۶۸۵(a)	۰/۹۶۲	آزمون اثر پیلائی
۰/۹۶۲	۰/۰۰۰	۶/۰۰۰	۱۱۸۹/۶۸۵(a)	۰/۰۳۸	آزمون لاندای ویلکز
Partial Eta Squared	Sig	F	میانگین مجذورات	نوع iv مجموع مجذورات	آزمون
۰/۷۳۳	۰/۰۰۰	۷۸۲/۷۴۲	۱۳۱۰۲/۲۶۴	۷۸۶۱۳/۵۸۳	آزمون اثرات
۰/۷۳۳	۰/۰۰۰	۷۸۲/۷۴۲	۷۸۶۱۳/۵۸۳	۷۸۶۱۳/۵۸۳	کمرترین دامنه
۰/۹۷۵	۰/۰۰۰	۱۱۲۳۵/۷۴۱	۱۲۰۴۸۳۸/۵۴۶	۱۲۰۴۸۳۸/۵۴	آزمون اثرات
			۱۰۷/۲۳۳	۳۰۵۶۱/۳۱۱	بین آزمودنی مقدار خطا

به منظور تعیین متغیرهای مؤثر بر نقش گردشگری بر بهبود کیفیت زندگی شهروندان با انتخاب ۴ متغیر شامل جنس، سطح تحصیلات، وضعیت شغلی، و نیز وابستگی شغلی به بخش گردشگری به تحلیل این موضوع اقدام شد. نتایج تحلیلی نشان می‌دهد براساس متغیر جنس (روش آماری T مستقل) تفاوت معناداری بین دیدگاه زنان و مردان در ارتباط با نقش گردشگری در بهبود کیفیت زندگی شهروندان وجود ندارد. درباره متغیر وضعیت تحصیلات براساس روش تحلیل واریانس یک‌طرفه مشاهده می‌شود تفاوت معناداری بین دیدگاه پاسخگویان وجود دارد، به طوری که پاسخگویان با تحصیلات لیسانس و بالاتر با میانگین برابر ۱۷۹/۱ نسبت به افراد دارای تحصیلات دیپلم و فوق دیپلم با میانگین ۱۷۰/۷ و افراد پایین‌تر از دیپلم با میانگین برابر ۱۵۶/۴، نقش گردشگری را در بهبود کیفیت زندگی پررنگ‌تر دانسته، همچنین تحلیل نقش وضعیت شغلی شهروندان در درک آن‌ها از نقش گردشگری در بهبود کیفیت زندگی، نشان از وجود تفاوت معنادار دارد، به طوری که میانگین محاسبه شده نگرش شاغلان بخش خدمات برابر ۱۸۱/۶۱، میانگین نگرش شاغلان بخش اداری ۱۷۳/۱۱، و میانگین دیدگاه شاغلان بخش کشاورزی برابر ۱۵۲/۰۴ محاسبه شده است. درباره متغیر وابستگی شغلی فرد به گردشگری، تحلیل‌های انجام شده با استفاده از روش آماری T مستقل نشان می‌دهد بین دو قشر از افرادی که شغلشان به گردشگری وابسته است و کسانی که وابستگی شغلی به گردشگری ندارند تفاوت معناداری وجود دارد؛ به طوری که شاغلان وابسته به گردشگری، با میانگین ۱۸۲/۴۵ نسبت به شاغلان غیروابسته با میانگین امتیاز ۱۶۵/۴۹ نقش گردشگری را در کیفیت زندگی شهروندان پررنگ‌تر دانسته‌اند. همچنین، براساس متغیر رضایت‌مندی از میزان درآمد، تفاوت در سطح ۰/۰۵ معنادار است؛ به طوری که افراد با رضایت‌مندی بالا از درآمد خود به نقش مؤثرتر گردشگری بر بهبود کیفیت زندگی عقیده داشته‌اند (جدول ۵).

در راستای پاسخگویی به سؤال سوم تحقیق، که کدام‌یک از قلمروهای کیفیت زندگی (متغیر مستقل) بر دیدگاه شهروندان (متغیر وابسته) در ارزیابی اهمیت و جایگاه نقش گردشگری در شهر مطالعه شده بیشترین تأثیر را دارند، با استفاده از روش رگرسیون چندگانه به بررسی و تعیین سهم هر یک از قلمروهای هفت‌گانه پژوهش اقدام شد. در این خصوص، نتایج نشان داد که قلمرو تفریح و اوقات فراغت با مقدار ضریب بتا برابر ۰/۹۰۶ بیشترین تأثیر را در بین دیگر قلمروها داشته است (جدول ۶).

جدول ۵. متغیرهای مؤثر بر درک شهروندان از نقش توسعه گردشگری بر بهبود کیفیت زندگی

متغیر احتمالی مؤثر	نوع آزمون	نتیجه
جنس	T مستقل	P value > ۰/۰۵ عدم وجود تفاوت معنادار بین نگرش زنان و مردان تأیید H _۰
نوع شغل	تحلیل واریانس یک‌طرفه	P value < ۰/۰۵ وجود تفاوت معنادار (معناداری برابر ۰/۰۰۱) تأیید H _۱
تحصیلات	تحلیل واریانس یک‌طرفه	P value < ۰/۰۵ وجود تفاوت معنادار (معناداری برابر ۰/۰۰۱) تأیید H _۱
وابستگی و عدم وابستگی شغلی به بخش گردشگری	T مستقل	P value < ۰/۰۵ وجود تفاوت معنادار بین نگرش افراد وابسته به بخش گردشگری (میانگین ۱۸۲/۴۵) و غیروابسته (میانگین برابر ۱۶۵/۴۹) تأیید H _۱
رضایت‌مندی از درآمد	تحلیل واریانس یک‌طرفه	P value < ۰/۰۵ وجود تفاوت معنادار (معناداری برابر ۰/۰۰۲) تأیید H _۱

جدول ۶. تأثیر قلمروهای مطالعه شده در ارزیابی ساکنان از اهمیت و جایگاه گردشگری بر اساس روش رگرسیون چندگانه

سطح معناداری	مقدار بتا	R ^۲	قلمرو
۰/۰۰۰	۰/۶۶۴	۰/۴۴۱	کیفیت محیط و مسکن
۰/۰۰۰	۰/۵۸۸	۰/۳۴۵	سلامت و بهزیستی فردی
۰/۰۰۰	۰/۳۹۳	۰/۱۵۴	همبستگی و مشارکت
۰/۰۰۰	۰/۵۷۱	۰/۳۲۷	اشتغال و درآمد
۰/۰۰۰	۰/۶۴۸	۰/۴۲۰	آموزش و فرهنگ
۰/۱۸۰	۰/۰۷۹	۰/۰۰۶	کیفیت زیرساختها
۰/۰۰۰	۰/۹۰۶	۰/۸۲۱	تفریح و اوقات فراغت

نتیجه گیری

امروزه کیفیت زندگی در ادبیات توسعه پایدار و مباحث اقتصاد نوین جایگاه ویژه‌ای یافته و همواره مورد توجه برنامه‌ریزان امر توسعه قرار دارد. کیفیت زندگی شهری از مهم‌ترین موضوعات مطالعاتی در برنامه‌ریزی و توسعه شهری است که ارتقا و تنزل آن را باید در برنامه‌ریزی‌ها، سیاست‌ها، و فعالیت‌هایی درونی و برونی شهرها جست‌وجو کرد. در همین زمینه، از جمله فعالیت‌هایی که در کیفیت زندگی شهرها تأثیرگذار است، می‌توان به توسعه گردشگری اشاره کرد.

توسعه گردشگری شهری اثرها و پیامدهای مختلف و متفاوتی را به همراه دارد، از جمله این آثار نقشی است که در کیفیت زندگی شهروندان ایفا می‌کند. بر همین اساس، در این پژوهش با انتخاب هفت قلمرو عمده و با تأکید بر شاخص‌های ذهنی به بررسی و تبیین نقش گردشگری در کیفیت زندگی شهروندان شهر فشم اقدام شد. نتایج پژوهش نشان داد که در هر هفت قلمرو مطالعه شده، توسعه گردشگری توانسته نقش مؤثری در بهبود کیفیت زندگی شهروندان ایفا کند. در بین قلمروها، نقش گردشگری در بهبود قلمروهای تفریح و اوقات فراغت و نیز کیفیت زیرساختها پررنگ‌تر بوده است. در همین زمینه، نتایج روش واریانس اندازه‌گیری مکرر حاکی از آن بود که تفاوت معناداری بین قلمروهای کیفیت زندگی در این پژوهش وجود دارد. در ارتباط با متغیرهای مؤثر بر دیدگاه ساکنان محلی در ارزیابی نقش گردشگری در بهبود کیفیت زندگی، نتایج نشان داد که مؤلفه‌های سطح تحصیلات، نوع شغل، وابستگی شغلی به بخش گردشگری و نیز مؤلفه رضایت‌مندی از میزان درآمد بر دیدگاه پاسخگویان نقش دارد. از دیگر یافته‌های پژوهش می‌توان به این نکته اشاره کرد که گردشگری نقش و جایگاه مهمی در اقتصاد و معیشت شهر داشته و بین دیدگاه افرادی که وابستگی شغلی به بخش گردشگری دارند با سایر افراد تفاوت معناداری وجود نداشته و در این خصوص اتفاق نظر وجود دارد. در همین زمینه، تحلیل‌ها نشان داد که در بین قلمروهای مطالعه شده، قلمرو تفریح و اوقات فراغت بیشترین تأثیر را در درک پاسخگویان در رابطه با اهمیت و نقش گردشگری در اقتصاد و معیشت شهر داشته است.

همان‌طور که در مباحث مبانی نظری اشاره شد، توسعه گردشگری می‌تواند در بهبود ابعاد مختلف کیفیت زندگی ساکنان محلی نقش ایفا کند. در این پژوهش هم نتایج بیانگر نقش گردشگری بر بهبود کیفیت زندگی شهروندان بود که نتایج به‌دست‌آمده با یافته‌های رضوانی و دیگران (۱۳۹۱)؛ اکبری‌ان رونی‌زی و دیگران (۱۳۹۲)؛ قدمی و دیگران (۱۳۸۹)؛ کروت و هولاند به نقل از کیم (۲۰۰۲)؛ لیو و وار (۱۹۸۶) همسویی دارد. در مجموع با توجه به نتایج این پژوهش مبنی بر اینکه توسعه گردشگری شهری توانسته نقش مؤثری بر بهبود کیفیت زندگی شهروندان داشته و اینکه امروزه در ادبیات جهانی توسعه این موضوع پذیرفته شده که گردشگری با آثاری که به همراه دارد می‌تواند ابعاد و ساختار مختلف عرصه‌های زندگی شهروندان را دگرگون کند، پیشنهاد می‌شود با مکانیسم کارآمد مدیریت اثرها و برنامه‌ریزی‌های ساختار راهبردی، در راستای توسعه پایدار گردشگری و به تبع ارتقای کیفیت زندگی شهروندان به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های مهم توسعه پایدار شهری اقدام شود.

منابع

۱. اصغری زمانی، اکبر؛ زادولی خواجه، شاهرخ؛ غلامحسینی، رحیم (۱۳۹۱). «ارزیابی کیفیت زندگی شهری در مناطق حاشیه‌نشین با استفاده از مدل تحلیل عاملی (مطالعه موردی: مناطق حاشیه‌نشین شمال تبریز)»، فصلنامه جغرافیایی چشم‌انداز زاگرس، ش ۱۱، ص ۶۹-۸۶.
۲. اکبریان رونیزی، سعیدرضا؛ خراسانی، محمدمبین؛ امام قلی، لقمان (۱۳۹۲). «تحلیل تطبیقی نقش گردشگری مذهبی و طبیعت‌گردی در بهبود کیفیت زندگی ساکنان نواحی روستایی مورد: روستاهای امامزاده داوود و رندان (شهرستان تهران)»، فصلنامه برنامه‌ریزی و توسعه گردشگری، ش ۴، ص ۱۴۵-۱۵۸.
۳. اکبریان رونیزی، سعیدرضا؛ محمدپورجابری، مرتضی؛ سپهوند، فرخنده (۱۳۹۲). «نقش شهرهای کوچک در بهبود کیفیت زندگی ساکنان محلی مورد: بخش رونیز»، فصلنامه پژوهش‌های روستایی، ش ۴، ص ۸۸۱-۹۰۰.
۴. پوراحمد، احمد؛ فرجی ملایی، امین؛ عظیمی، آزاده؛ لطفی، صدیقه (۱۳۹۱). «تحلیل طبقه‌بندی کیفیت زندگی شهری با روش SAW»، فصلنامه پژوهش‌های جغرافیایی انسانی، ش ۴، ص ۲۱-۴۴.
۵. پورطاهری، مهدی؛ افتخاری، عبدالرضا رکن‌الدین؛ فتاحی، احد (۱۳۹۰). «ارزیابی کیفیت زندگی در نواحی روستایی (مطالعه موردی: دهستان خاوه شمالی استان لرستان)»، فصلنامه پژوهش‌های جغرافیایی، ش ۷۶، ص ۱۳-۳۲.
۶. خوارزمی، شهیندخت (۱۳۸۳). کیفیت زندگی و الزامات عصر دیجیتال در ایران، تهران، روزنامه دنیای اقتصاد.
۷. دیناری، احمد (۱۳۸۴). گردشگری شهری در ایران و جهان، تهران: واژگان خرد.
۸. رضوانی، محمدرضا؛ بدری، سیدعلی؛ سپهوند، فرخنده؛ اکبریان رونیزی، سعیدرضا (۱۳۹۱). «گردشگری خانه‌های دوم و اثرات آن بر بهبود کیفیت زندگی ساکنان محلی مطالعه موردی: بخش رودبار قصران»، فصلنامه مطالعات و پژوهش‌های شهری منطقه‌ای، ش ۱۳، ص ۳۳-۴۰.
۹. رضوانی، محمدرضا؛ متکان، علی‌اکبر؛ منصورریان، حسین؛ ستاری، محمدحسین (۱۳۸۹). «توسعه و سنجش شاخص‌های کیفیت زندگی مطالعه موردی: شهر نورآباد»، فصلنامه مطالعات و پژوهش‌های شهری و منطقه‌ای، ش ۲، ص ۸۷-۱۱۰.
۱۰. رنجبران، بهرام؛ زاهدی، محمد (۱۳۸۸). شناخت گردشگری، اصفهان: چهارباغ، چ ۶.
۱۱. رهنمایی، محمدتقی؛ فرجی ملایی، امین؛ حاتمی‌نژاد، حسین؛ عظیمی، آزاده (۱۳۹۱). «تحلیلی بر مفهوم کیفیت زندگی در شهر بابلسر»، مجله جغرافیا و آمایش شهری- منطقه‌ای، ش ۵، ص ۴۹-۷۶.
۱۲. شفیع، سعید؛ شفیع، محمدعلی؛ کاظمیان، غلامرضا (۱۳۹۲). «فرا تحلیل روش و نتایج پژوهش‌های کیفیت زندگی شهری در ایران»، مجله جامعه‌شناسی کاربردی، ش ۵۰، ص ۲۱-۴۰.
۱۳. قدمی، مصطفی؛ علیقلی‌زاده، ناصر؛ رمضانزاده، مهدی (۱۳۸۹). «بررسی نقش گردشگری در تغییرات کیفیت زندگی مقصد (نمونه مورد مطالعه: دهستان کلارآباد، شهرستان تنکابن، مازندران)»، مجله مطالعات اجتماعی ایران، ش ۳، ص ۱۵۲-۱۶۳.
۱۴. کوکی، افشین (۱۳۸۶). «معیارهای ارزیابی کیفیت زندگی شهری در مراکز شهری»، نشریه هویت شهر، ش ۱، ص ۷۵-۸۶.
۱۵. لطفی، صدیقه (۱۳۸۸). «مفهوم کیفیت زندگی شهری: تعاریف، ابعاد، و سنجش آن در برنامه‌ریزی شهری»، فصلنامه نگرش‌های نو جغرافیایی انسانی، ش ۴، ص ۶۵-۸۰.
۱۶. مختاری، مرضیه؛ نظری، جواد (۱۳۸۹). جامعه‌شناسی کیفیت زندگی، تهران: جامعه‌شناسان.
17. Cascante, D.M. (2008). Consequences of tourism – based growth on rural communities quality of life: A comparative study of Liberia and Lafortuna, Costa Rica, Dissertation submitted in partial fulfillment of the requirements for the degree of doctor of philosophy, The Pennsylvania State university.
18. Choi, H (2003). Measurement of Sustainable Development Progress for Managing Community Tourism,
19. Das, D. (2008). Urban quality of life: A case study of Guwahati. Social Indicators Research, 88(2), pp 297-310.

20. Kim, K. (2002). The Effects of Tourism Impacts upon Quality of Life of Residents in the Community, Dissertation submitted to the Faculty of the Virginia Polytechnic Institute and State University In partial fulfillment of the requirements for the degree of Ph.D.
21. Lee, Y. J. (2008). Subjective quality of life measurement in Taipei. *Building and Environment*, 43(7), pp 1205-1215.
22. Li, G., & Weng, Q. (2007). Measuring the quality of life in city of Indianapolis by integration of remote sensing and census data. *International Journal of Remote Sensing*, 28(2), pp 249-267.
23. Liu, J. C., & Var, T. (1986). Resident attitudes toward tourism impacts in Hawaii. *Annals of Tourism Research*, 13(2), pp 193-214.
24. Low, Ch.(1996) *Urban tourism Attraction visitors to large cities*, mansell.publishing Limited, London.
25. McCrea, R. P., Shyy, T., & Stimson, R. J. (2004). Modelling urban quality of life in South East Queensland by linking subjective and objective indicators. In *The Australian & NZ Reg. Sci.. Assoc. Intern. Inc.* (pp. 49-66). School of Economics & Information Systems.
26. McGillivray, M.(2007). *Human Well-Being, Concept and Measurement*. New York: Palgrave MacMillan.
27. Milman, A., & Pizam, A. (1988). Social impacts of tourism on central Florida. *Annals of Tourism Research*, 15(2), pp 191-204.
28. Moro, M., Brereton, F., Ferreira, S., & Clinch, J. P. (2008). Ranking quality of life using subjective well-being data. *Ecological Economics*, 65(3), pp 448-460.
29. Pal, A. K. and Kumar, U. C. (2005). Quality of life concept for the evaluation of societal development of rural community in west bangal, India , *Rural Development*, vol.xv,no.
30. Pal, A. K., and Kumar, U. C. (2005). Quality of life concept for the evaluation of societal development of rural community in west bangal, India , *Rural Development*, Vol xv, No 2.
31. Santos, L. D., & Martins, I. (2007). Monitoring urban quality of life: The Porto experience. *Social Indicators Research*, 80(2), pp 411-425.
32. Texas: University of Texas.
33. ZielinskaWczkowska, H., and dziora - Kornatowska, K.W.(2010), Evaluation of quality of life (QoL) of students of the University of Third Age (U3A) on the basis of socio-demographic factors and health status, *Archives of Gerontology and Geriatrics*, pp 1-5.